

[عبدالرسول یزدی نژاد^۱]

امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحِمَهُ الْكَرِيمُ در توفیق شریف به یکی از ثواب اربعه می‌فرماید: «وَأَكْثَرُوا الدَّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ، فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ»^۲.

این نوشتار با توجه به چگونگی ترکیب نحوی عبارات حدیث، معانی مختلف آن را بیان می‌کند:

الف - کلمه «ذلک» از اسماء اشاره است و به یکی از سه کلمه پیش از خود اشاره دارد؛ بنا برمشاژ^۳ الیه، معنای جمله نیز تغییر می‌کند:

۱- «ذلک» اشاره به جمله «اکثروا الدعاء» باشد؛ معنی عبارت شریف چنین می‌شود: «برای زود رسیدن فرج زیاد دعا کنید که همانا زیاد دعا کردن برای فرج، سبب گشایش در کارهای خودتان است».

۲- «ذلک» اشاره به «تعجیل الفرج» باشد؛ یعنی «زیاد دعا کنید برای زود رسیدن فرج؛ همانا تعجیل فرج، سبب گشایش در کارهای شماست». این معنا به روایاتی که فتنه‌های شوم آخرالزمان را ترسیم کرده و سبب طولانی شدن غیبت است اشاره دارد؛ زمان غیبت که طولانی شود، عده‌ای می‌گویند: «فی آی واد سلک و بأی واد هلك ...»؛ اگر چنین منجی‌ای وجود داشت حتماً ظهور می‌کرد؛ اگر هم بوده هلاک شده است؛ پس مهم‌ترین اثر تعجیل فرج، دفع شبهات مخالفین و از بین بردن ناامیدی در انسان است.

۳- «ذلک» اشاره به کلمه «الفرج» باشد. این کلمه خود چهار معنی دارد که بنا بر هر یک از معانی، مفهومی از روایت به دست می‌آید که به هر کدام از آن‌ها مختصراً اشاره می‌کنیم:

۱. مدرس دروس حوزه علمیه قم و پژوهشگر دینی.

۲. طبرسی، احمد بن علی، احتجاج، ۲/۴۹۲؛ یزدی حائری، علی بن زین العابدین، الزام الناصب،

۳۷۷/۱.

۳-۱- «الفرج» به معنای «گشایش در کارها» و الف و لام آن «ال جنس» باشد؛ یعنی «برای گشایش و رفع مشکلات از کارتان بسیار دعا کنید که قطعاً گشایش کارتان در بسیار دعا کردن است».

این معنا مناسب است، اما در این توفیع شریف با سیاق کلام سازگاری ندارد؛ زیرا روایت در مقام بیان ظهور است نه گشایش مادی هر کس در کار خود؛ به علاوه پایان عبارت هم با این معنا منافات دارد و تحصیل حاصل است.

۳-۲- «الفرج» به معنای لغوی «گشایش در کارها» و الف و لام برای تعریف و عهد ذهنی باشد که همان گشایش در کار صاحب الامر عَلَيْهِ السَّلَام منظور است. با این تعبیر، روایت چنین معنا می‌شود: «اگر برای گشایش امر ظهور دعا کنید، در کار خودتان نیز گشایش حاصل شده و مشکلاتتان آسان می‌گردد». این بدان معناست که مشکلات دوستان حضرت با آن وجود شریف پیوندی نزدیک دارد و هرگاه گریهی در زندگی کسی می‌افتد - چه بداند و چه نداند - آن حضرت محزون می‌گردد.

رُمیله می‌گوید:

در زمان حکومت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام در روز جمعه، تب و درد شدیدی بر من عارض شد؛ احساس ناتوانی و ضعف داشتم. با خود گفتم: «چیزی با فضیلت‌تر از این نیست که آبی بر خود ریزم [تا کمی تبم ساکن شود] و فریضه نماز جمعه را پشت سر امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام بخوانم». چنین کردم و به مسجد رفتم. هنگامی که امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام بر منبر رفت تا خطبه بخواند، دوباره تب و درد به سراغم آمد؛ وقتی حضرت از خطبه و نماز فارغ گشت، داخل دارالاماره شد و من هم به دنبالش داخل شدم. حضرت فرمود: «ای رمیله! دیدم به خود می‌پیچیدی؟! عرض کردم: «بله؛ و شرح ماجرا را بیان کرده و گفتم: «چیزی که مرا به حرکت درآورد، اشتیاق اقتدا کردن به شما در نماز بود.» حضرت فرمود: «ای رمیله! هیچ مؤمنی بیمار نمی‌شود مگر اینکه ما هم به بیماری او مریض می‌شویم؛ و هیچ مؤمنی محزون نمی‌شود مگر اینکه ما هم با او محزون می‌گردیم؛ و هیچ مؤمنی

دعا نمی‌کند مگر اینکه ما آمین‌گوی دعایش هستیم؛ و هرگاه هم ساکت باشد، ما برای او دعا می‌کنیم». گفتیم: «یا امیرالمؤمنین! خدا مرا فدای تو کند! آیا این [سخنت] برای کسانی بود که با تو در مسجد بودند؟ یا مؤمنانی هم که در اطراف جهان هستند، چنین‌اند؟» فرمود: «ای رمیله! در هر زمانی، هیچ مؤمنی در شرق زمین و غیر آن از ما پوشیده نیست»^۱.

۳-۳- «الفرج» را به معنی اصطلاحی «ظهور عام ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بدانیم: «برای تعجیل در ظهور جهانی من بسیار دعا کنید که همانا سبب گشایش در کارهای شما، ظهور عام است». با توجه به این تعبیر، مفهوم کلام حضرت چنین است: تا وقتی بر من فرجی نباشد در کارهای شما هم گشایش تام و کاملی حاصل نمی‌شود؛ سراسر دنیا را فتنه‌ها و بلاها فراگیرد و اگر هم مشکلی از کسی حل شود، جزیی و اندک خواهد بود. چون وقتی خورشید، پشت ابر باشد، سرمای ظلم و جهل، گیتی را فرا می‌گیرد و تا ابرهای تاریک کنار زده نشوند، کسی نمی‌تواند کاملاً از خورشید، بهره‌ای ببرد. همان‌طور که آفتاب زمستان نور دارد، ولی گرمایی طراوت بخش ندارد، پیش از ظهور بقیة الله عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز کسی آسایش مطلق ندارد.

این تعبیر با علائمی که در روایات زمان غیبت وجود دارد و اوضاع جهان پیش از فرج را بیان می‌دارد، سازگارتر است.

۳-۴- «الفرج» به معنای «ظهور خاص حضرتش در قلوب شیعیان، و برای هر کس فرجی به تناسب قابلیت‌های او» باشد. با این تعبیر، روایت هم چنین معنا می‌شود: «برای تعجیل ظهور نور ولایت من در قلوب خود و آمادگی درک فیض الهی و توفیق زیارت من، بسیار دعا کنید که گشایش در گره‌های مادی و معنوی شما با ظهور خاص به دست می‌آید». با توجه به این معنا هر کس می‌تواند درخواست کند تا نور مبارک حضرت بر قلب او بتابد و آماده درک حضور شده و به دیدارش نائل آید. چنان‌که در عصر غیبت، برخی سعادت داشته و آن وجود مقدس را زیارت کرده‌اند.

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ۱۴۱/۲۶.

اما این معنی، مستلزم تخصیص اکثر است و با ظاهر روایات دیگر سازگاری ندارد؛ زیرا اگر بنا باشد تمامی خلق به ظهور خاص نائل شوند، دیگر جایی برای ظهور جهانی باقی نمی ماند و این با حکمت غیبت همسوییست.

۳-۵. لازمه ظهور عام، فرج خاص و آمادگی قلوب برای شرفیابی به حضور باهر النور بقیة الله الأعظم علیه السلام است. سرّ غیبت نیز در این است که دل بندگان آماده شده و به تدریج خود را از گناهان پاک سازند و نفوس خود را پاکیزه دارند؛ زیرا از قیام قائم علیه السلام، به قیامت صغرا تعبیر شده است؛ و همان طور که در قیامت کبرا، جایی برای انجام اعمال صالحه و طالحه وجود ندارد، در قیامت صغرا نیز اگر نفوس، آماده نبوده و تربیت نشده باشند، لاجرم در مقابل آن حضرت تسلیم نخواهند بود. جمله «والمسلمین لأمره» که در دعاهای مختلف آمده، درسی است که متذکر معنای فوق آماده شدن در زمان غیبت، برای تسلیم بودن در مقابل اوامر حجّت خدا) است.

در روایات بسیاری وارد شده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «أفضل أعمال أمتی إنتظار الفرج»؛ با فضیلت ترین اعمال امت من، انتظار فرج است.^۱

امام سجّاد علیه السلام به ابو خالد فرمود:

غیبت ولی خدا که دوازدهمین وصی رسول خداست، طولانی می شود. ای ابا خالد! اهل زمان غیبتش که به امامتش اعتقاد داشته و منتظر ظهورش باشند، برترین اهل هر عصرند؛ زیرا خدای تعالی، عقل، فهم و عنایاتی به آنها عطا فرموده که غیبت، نزدشان به منزله مشاهده است و مرتبه ای برایشان قرار داده که چون جهادگران با شمشیر نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند. ایشان بندگان پاکیزه شده حقیقی و شیعیان راست کردار ما و خوانندگان مردم به دین خدا در آشکار و نهان هستند.

نیز فرمود: «انتظار فرج آل محمد از بزرگ ترین فرج هاست».^۲

۱. ابن بابویه، علی بن حسین، الإمامة والتبصرة، ۱۶۳.

۲. مجلسی، محمد باقر، همان، ۳۱/۵۲؛ طبرسی، احمد بن علی، همان، ۵۰/۲.

ابو بصیر نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام فرمود:

«این حدیث [در مورد کسی است که در غیبت قائم ما، به امر ما چنگ زند؛ چنین کسی هیچ‌گاه قلبش بعد از هدایت گمراه نمی‌شود]. گفتم: «فدایت شوم! طوبی چیست؟» فرمود: «درختی است در بهشت که اصل آن در خانه‌ی علی بن ابی طالب است و مؤمنی در بهشت نیست مگر در خانه‌اش شاخه‌ای از طوبی وجود دارد؛ این است فرموده‌ی خدای تعالی ﴿طوبی لهم و حسن مآب﴾»^۲.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود:

یا علی!... باور داشته باش که برترین مردم از حیث یقین، گروهی هستند که در آخرالزمان می‌آیند در حالی که پیامبر را ندیده و حجّت خدا هم از آن‌ها پنهان است؛ ولی به سیاهی در سفیدی [روایاتی که در کتاب‌ها به دستشان رسیده] ایمان آورده‌اند.^۳

امام سجّاد علیه السلام فرمود:

هرکس بر ولایت ما در زمان غیبت قائم ما ثابت قدم باشد، خداوند پاداش هزار شهید مثل شهیدای بدر و احد را به او عطا فرماید.^۴

امام صادق علیه السلام فرمود:

هرکس از شما با اعتقاد به امامت ما بمیرد و منتظر ظهور صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد، مثل کسی است که در خیمه قائم باشد.^۵

با دقت در احادیث بالا، معنی ظهور خاص چنین معلوم می‌شود که هرکس می‌تواند جزء اصحاب و خادمین حضرت در حضور و غیبت باشد و اجر یاری حضرت را درک

۱. رعد/۲۹.

۲. مجلسی، محمد باقر، همان، ۱۲۳/۵۲.

۳. همان، ۱۲۵؛ صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ۴/۳۶۶.

۴. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری، ۴۰۲؛ مجلسی، محمد باقر، همان.

۵. همان؛ برقی، احمد بن محمد خالد، محاسن، ۱/۱۷۳.

کند. اگرچه ظهور عام هم صورت نگرفته باشد؛ پس باب فیض الهی همیشه باز است و منحصر به زمان و مکان خاصی نیست.

اگر تمامی دوستان حضرت، به ظهور خاص برسند، اسباب ظهور جهانی آماده می شود و همه خلق از ظلمت غیبت و فتنه های آخرالزمان نجات پیدا می کنند.

پس شاید معنای حقیقی «اکثروا الدعاء بتعجيل الفرج»، همین باشد؛ بلکه اگر دقت بیشتری در روایات شود، تعییناً معنای «ظهور خاص» به دست می آید که مقدمه «ظهور عام» است. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف در بسیاری از تشریفات اولیا به محضرشان فرموده اند: «اگر یاری داشتیم، ظهور می کردم؛ یا فرمودند: «اگر چهل نفری که جدم امیرالمؤمنین ع برای گرفتن حق خود طلب کرد، می یافتم، هرآینه از پرده غیبت بیرون آمده و حق خود را می ستاندم».

در پاسخ این سؤال که آیا با وجود بسیاری دوستان اهل بیت ع در سراسر دنیا، هنوز اصحاب آن حضرت فراهم نشده اند؟ باید گفت: با اندک توجهی در سخنان ائمه طاهرین - صلوات الله علیهم اجمعین - معلوم می شود که اصحاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف شباهت زیادی به یاران سیدالشهدا ع دارند که در استقامت و یاری دین خدا، به «پاره های آهن» توصیف شده اند.

یاران حضرت کسانی هستند که هیچ انگیزه مادی در سر ندارند و تنها امیدشان یاری ولی خدا و شهادت در رکاب اوست.

مسئلاً اگر ۳۱۳ تن، با این صفات در میان شیعیان وجود داشت، ساعتی ظهور حضرتش به تأخیر نمی افتاد؛ بلکه اگر چهل تن هم بودند کافی بود؛ چه رسد به ۳۱۳ تن. شایان ذکر است که دعا برای فرج ولی خدا از بالاترین اذکار و اسباب نزدیک شدن به خداوند است؛ امید که از دعاکنندگان حضرت باشیم و مشمول دعای ایشان قرار بگیریم.